

پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ محمد صالح المنجد حفظه الله تعالى

موضوع:

احکام؛ مشاغل و مکاسب حرام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرسش

نویسنده: علی راضی

تاریخ: ۱۳۹۴/۷/۲۹

نظر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی درباره‌ی بازی شطرنج چیست؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۴/۸/۱

هر بازی که در آن برنده و بازنده وجود دارد، به استثنای مواردی که مستقیماً بر آمادگی مسلمانان برای جهاد می‌افزاید، مکروه است و دلیل آن سخن خداوند در سفارش به رقابت کردن و مسابقه دادن در خیرات است که با فحوا‌ی خود بر کراهت رقابت کردن و مسابقه دادن در غیر خیرات دلالت دارد؛ خصوصاً با توجه به اینکه رقابت کردن و مسابقه دادن می‌تواند به دشمنی و کینه‌ورزی بینجامد. البته بازی تا هنگامی مکروه است که در آن از بازنده مالی برای برنده گرفته نشود، اما هرگاه در آن از بازنده مالی برای برنده گرفته شود، بدون هیچ اختلافی میان عالمان قمار محسوب می‌شود و حرام است.

این قاعده‌ی کلی در رابطه با بازی‌هاست، اما ظاهر آن است که شطرنج اگرچه قمار نباشد، حرام است و این از دو جهت است:

یکی آنکه نگاه داشتن مجسمه‌هاست و این جایز نیست؛ چنانکه از علی علیه السلام روایت شده است: «أَنَّه مَرَّ عَلَى قَوْمٍ يَلْعَبُونَ بِالشَّطْرَنْجِ، فَقَالَ: مَا هَذِهِ التَّمَاتِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ؟»^۱؛ «او بر گروهی گذشت که شطرنج بازی می‌کردند، پس فرمود: چیست این مجسمه‌هایی که شما ملازم آن‌ها هستید؟» و این سخن مشهوری از علی علیه السلام است؛ چنانکه مهتاً گفته است:

۱. الطبقات الكبرى لابن سعد، ج ۶، ص ۲۲۴؛ مصنف ابن أبي شيبة، ج ۵، ص ۲۸۷؛ ذم الملاهي لابن أبي الدنيا، ص ۷۷؛ تحریم النرد والشطرنج والملاهي للأجري، ص ۱۳۵؛ المخلصيات وأجزاء أخرى لأبي طاهر المخلص، ج ۲، ص ۴۱؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۱۰، ص ۳۵۸

«سَأَلْتُ أَحْمَدَ بْنَ حَنْبَلٍ عَنِ اللَّعْبِ بِالشُّطْرُنْجِ، هَلْ تَعْرِفُ فِيهِ شَيْئًا؟ فَقَالَ: لَا أَعْلَمُ إِلَّا قَوْلَ عَلِيٍّ»؛^۱ از احمد بن حنبل درباره‌ی بازی شطرنج پرسیدم که آیا (میان احادیث) چیزی درباره‌ی آن سراغ داری؟ گفت: چیزی جز سخن علی را نمی‌شناسم» و بیهقی گفته است: «وَلِهَذَا شَوَاهِدٌ عَنِ عَلِيٍّ»؛^۲ «برای این، شواهدی از علی وجود دارد» و نیز از موسی بن جعفر علیهما السلام روایت شده است که از پدر خود درباره‌ی مجسمه‌ها پرسید و آن حضرت پاسخ داد: «لَا يَصْلُحُ أَنْ يُلْعَبَ بِهَا»؛^۳ «شایسته نیست که با آن‌ها بازی شود» و به نظر می‌رسد که مراد آن حضرت از مجسمه‌ها در اینجا شطرنج بوده است و یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنِ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الرُّورِ﴾،^۴ فَقَالَ: الرِّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ الشُّطْرُنْجُ وَقَوْلُ الرُّورِ الْغِنَاءُ، قُلْتُ: أَرَأَيْتَ إِنْ لَعَبْتُ بِالشُّطْرُنْجِ دُونَ قِمَارٍ؟ قَالَ: دَعَّهَا فَإِنَّهَا تَجْذِبُ الشَّيَاطِينَ كَمَا تَجْذِبُ الْقَادُورَةَ الدَّبَّانَ، قُلْتُ: مَا لَهُمْ وَالشُّطْرُنْجِ؟! قَالَ: يُعْجِبُهُمْ لَوْنُهَا وَأَوْتَانُهَا»؛^۵ «از منصور درباره‌ی سخن خداوند بلندمرتبه پرسیدم که می‌فرماید: >پس از پلیدی بت‌ها دوری کنید و از گفتار باطل دوری کنید<، پس فرمود: پلیدی بت‌ها، شطرنج و گفتار باطل، غناست. گفتم: اگر بدون قمار شطرنج بازی کنم چطور؟ فرمود: آن را رها کن؛ زیرا شیاطین را به سوی خود می‌کشاند، همان طور که پلیدی مگس‌ها را، گفتم: آن‌ها را با شطرنج چه کار است؟ فرمود: رنگ و بت‌های آن را می‌پسندند».

آنچه بر این دلالت دارد، روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است که در آن آمده است: «إِذَا مَرَزْتُمْ بِهِؤُلَاءِ الَّذِينَ يَلْعَبُونَ الْأَزْلَامَ الشُّطْرُنْجِ وَالزَّرْدَ، فَلَا تُسَلِّمُوا عَلَيْهِمْ، فَإِنْ سَلَّمُوا عَلَيْكُمْ فَلَا تَزِدُّوا عَلَيْهِمْ، فَإِنَّهُمْ إِذَا اجْتَمَعُوا وَكَبُّوا عَلَيْهَا جَاءَ إِبْلِيسُ أَخْرَأَهُ اللَّهُ بِجُنُودِهِ فَأَحْدَقَ بِهِمْ كُلَّمَا ذَهَبَ رَجُلٌ يَصْرِفُ بَصْرَهُ عَنِ الشُّطْرُنْجِ لَكَرَّ فِي ثَغْرِهِ، وَجَاءَتِ الْمَلَائِكَةُ مِنْ وَرَاءِ ذَلِكَ فَأَحْدَقُوا بِهِمْ وَلَمْ يَدْنُوا مِنْهُمْ فَمَا زَالُوا يَلْعَنُونَهُمْ حَتَّى يَتَفَرَّقُونَ عَنْهَا حِينَ يَتَفَرَّقُونَ كَالْكِلَابِ اجْتَمَعَتْ عَلَى حَيْفَةٍ فَأَكَلَتْ مِنْهَا حَتَّى مَلَأَتْ بُطُونَهَا ثُمَّ تَفَرَّقَتْ»؛^۶ «هرگاه از کنار این کسانی که با ازلام یعنی با شطرنج و زرد بازی می‌کنند گذشتید، به آنان سلام نکنید و اگر به شما سلام کردند، جوابشان را ندهید؛ چراکه آنان هرگاه گرد هم آیند و به بازی با آن سرگرم شوند، ابلیس که خداوند رسوایش کند، به همراه سربازانش می‌آید و آنان را احاطه می‌کند. هر بار که کسی از آنان می‌خواهد از شطرنج روی گرداند، مشتکی بر دهان او می‌زند و پس از آن، فرشتگان می‌آیند و آنان را احاطه می‌کنند و نزدیکشان

۱. الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر للخلال، ص ۶۲

۲. شعب الإيمان للبيهقي، ج ۸، ص ۴۶۷

۳. مسائل علي بن جعفر، ص ۲۹۴؛ قرب الإسناد للحميري، ص ۲۹۵

۴. الحج/ ۳۰

۵. تحريم النرد والشطرنج والملاهي للأجري، ص ۱۴۸

نمی‌شوند و همواره آنان را لعن می‌کنند تا زمانی که از دور آن پراکنده شوند، چونان سگانی که بر گرد مرداری جمع شده‌اند، پس از آن می‌خورند تا شکم‌هایشان پر شود و سپس پراکنده می‌شوند». اما جهت دوم این است که شطرنج هم‌اکنون به نمادی برای شیطان‌پرستان و فراماسون‌ها تبدیل شده، همان‌طور که در گذشته بازی کسراها و مانند آنان بوده و روشن است که تشبّه به آنان جایز نیست. به همین دلیل، از علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «الشَّطْرُنْجُ مَيْسِرُ الْأَعَاجِمِ»^۱؛ «شطرنج قمار عجم‌هاست» و روایت شده است که از ابو جعفر علیه السلام درباره‌ی آن پرسیده شد، پس فرمود: «دَعُونَا مِنْ هَذِهِ الْمَجُوسِيَّةِ»^۲؛ «ما را از این مجوسیت واگذارید» و از فرزند او جعفر علیه السلام درباره‌ی آن پرسیده شد، پس فرمود: «دَعُوا الْمَجُوسِيَّةَ لِأَهْلِهَا لَعَنَهَا اللَّهُ»^۳؛ «مجوسیت را برای اهلش واگذارید، خداوند آن را لعنت کند» و از علی بن موسی الرضا علیه السلام روایت شده است که فرمود یزید بن معاویه در حالی که سر بریده‌ی حسین علیه السلام نزدش بود، با شطرنج بازی می‌کرد و سپس فرمود: «فَمَنْ كَانَ مِنْ شِيعَتِنَا فَلْيَتَوَرَّعْ عَنِ اللَّعْبِ بِالشَّطْرُنْجِ»^۴؛ «پس هر کس از پیروان ماست، باید از بازی شطرنج بپرهیزد» و قول به حرمت شطرنج، با روایات متواتر از اهل بیت علیهم السلام ثابت است. همچنین، از ابن عباس روایت شده است که مال یتیمی را عهده‌دار شد، پس در میان ترکه‌ی پدر یتیم شطرنجی را یافت، پس آن را سوزاند، در حالی که اگر بازی با آن حلال بود، اجازه‌ی سوزاندن آن را نداشت و از ابن عمر نیز روایت شده است که گفت: «هِيَ شَرٌّ مِنَ النَّزْدِ»؛ «آن از نزد بدتر است» یعنی به طریق اولی حرام است؛ چراکه نزد آنان حرام بوده و از ابو موسی روایت شده است که گفت: «لَا يَلْعَبُ بِالشَّطْرُنْجِ إِلَّا خَاطِئٌ»؛ «جز خطاکار با شطرنج بازی نمی‌کند» و از ابو سعید خدری روایت شده است که کراهت داشت شطرنج بازی کند و از زهری روایت شده است که گفت: «هِيَ مِنَ الْبَاطِلِ وَلَا يُحِبُّ اللَّهُ الْبَاطِلَ»؛ «آن از باطل است و خداوند باطل را دوست نمی‌دارد» و مانند آن از سعید بن مسیب نیز روایت شده و از محمد بن کعب قرظی روایت شده است که گفت: «أَدْنَى مَا يَكُونُ فِيهَا أَنَّ اللَّاعِبَ بِهَا يُحْشَرُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ أَصْحَابِ الْبَاطِلِ»؛ «کمترین چیزی که در آن است این است که هر کس با آن بازی کند، روز قیامت با اصحاب باطل محشور می‌شود» و از ابراهیم نخعی روایت شده است که گفت: «إِنَّهَا مَلْعُونَةٌ فَلَا تَلْعَبُ بِهَا»؛ «آن لعن شده است، پس با آن بازی نکن» و از محمد بن سیرین روایت شده است که گفت: «لَوْ رُدَّتْ شَهَادَةٌ مَنْ يَلْعَبُ بِالشَّطْرُنْجِ كَانَ لِدَلِكِ أَهْلًا»؛ «اگر شهادت کسی که شطرنج بازی می‌کند رد شود، شایسته‌ی آن است» و وکیع و سفیان درباره‌ی سخن خداوند که فرموده است: «وَأَنْ تَسْتَفْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ»^۵؛ «و اینکه با ازلام قسمت کنید (بر شما

۱ . السنن الكبرى للبيهقي، ج ۱۰، ص ۳۵۸

۲ . ذم الملاهي لابن أبي الدنيا، ص ۷۸؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۱۰، ص ۳۵۹

۳ . الكافي للكليني، ج ۶، ص ۴۳۷

۴ . عيون أخبار الرضا لابن بابويه، ج ۲، ص ۲۵

۵ . المائدة / ۳

حرام است)) گفته‌اند: «هِيَ الشُّطْرُنْجُ»؛ «(مصدق) آن شطرنج است» و به اسحاق بن راهویه گفته شد: «أَتَرَى فِي اللَّعْبِ بِالشُّطْرُنْجِ بَأْسٌ؟»؛ «آیا در بازی شطرنج اشکالی می‌بینی؟»، پاسخ داد: «الْبَأْسُ كُلُّهُ فِيهِ»؛ «همه‌ی اشکال در آن است»، سپس به او گفته شد: «إِنَّ أَهْلَ التُّغُورِ يَلْعَبُونَ بِهَا لِأَجْلِ الْحَرْبِ»؛ «مرزبانان به خاطر جنگ با آن بازی می‌کنند»، پس پاسخ داد: «هُوَ فُجُورٌ»؛ «آن فجور است» و از مالک روایت شده است که گفت: «لَا خَيْرَ فِي الشُّطْرُنْجِ»؛ «هیچ خیری در شطرنج نیست» و گفت: «أَمَّا الْمُدْمِنُ عَلَى لَعِبِ الشُّطْرُنْجِ فَلَا أَرَى أَنْ تُقْبَلَ شَهَادَتُهُ»؛ «اما کسی که به بازی شطرنج معتاد است، صحیح نمی‌بینم که شهادتش پذیرفته شود» و گفت: «أَوَّلُ مَنْ جَاءَ بِالشُّطْرُنْجِ وَالزَّرْدِ عَمْرُو بْنُ الْعَاصِ، تَعَلَّمَ ذَلِكَ فِي الْحَيْرَةِ»؛ «اولین کسی که شطرنج و نرد را آورد، عمرو بن عاص بود، آن را در حیره آموخت» و از ابو حنیفه و احمد روایت شده که آن را تحریم کرده‌اند، بل از عبد الله بن نافع روایت شده است که گفت: «مَا أَدْرَكْتُ أَحَدًا مِنْ عُلَمَائِنَا إِلَّا وَهُوَ يَكْرَهُهَا»؛ «هیچ یک از عالمانم را نیافته‌ام مگر اینکه از آن کراهت داشته است» و کراهت جناب منصور از آن به حدی است که از نشستن بر روی فرشی به رنگ شطرنج خودداری کرده و فرموده است: «إِنَّهُ مَجْلِسُ الشَّيَاطِينِ»؛ «آن جای نشستن شیاطین است».

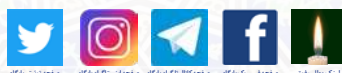


پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوم‌ها شیخ خراسانی
مجلس با همکاری و پشتیبانی از



www.alkhorasani.com

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوم‌ها شیخ خراسانی حفظه الله تعالى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.